



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

رمز جاودانگی حماسہ عاشورا

محمد اسحاق فیاض

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رمز جاودانگی حماسه عاشورا

نویسنده:

محمد اسحاق فیاض کابلی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	رمز جاودانگی حماسه عاشورا
۷	مشخصات کتاب
۷	چکیده
۷	مقدمه
۱۱	هدف متعالی در حماسه عاشورا
۱۳	شیوه مبارزه در حماسه حسینی
۱۳	مبارزه با طاغوت
۱۳	اشاره
۱۳	امتناع از بیعت
۱۶	هشدار به امت به خواب رفته
۱۸	امام و حرکت به سوی مکه
۱۹	امام و دعوت مردم کوفه
۱۹	اصلاح امت جد
۱۹	اشاره
۱۹	امر به معروف و نهی از منکر
۲۱	زنده کردن سیره جدش
۲۲	استراتژی عملی حماسه عاشورا
۲۲	اشاره
۲۳	تربیت یاران
۲۶	پاک باختگی در راه هدف
۲۸	هدف متعالی در حماسه عاشورا
۲۸	شیوه های مبارزه در حماسه حسینی
۲۸	مبارزه با طاغوت

۲۸	امتناع از بیعت
۲۸	هشدار به امت به خواب رفته
۲۸	حرکت به سوی مکه
۲۸	امام و دعوت مردم کوفه
۲۹	اصلاح امت جد
۲۹	امر به معروف و نهی از منکر
۲۹	زنده کردن سیره جدش
۲۹	استراتژی عملی حماسه عاشورا
۲۹	تربیت یاران
۲۹	پاک باختگی
۳۰	درباره مرکز

نویسنده : محمد اسحاق فیاض

ناشر : محمد اسحاق فیاض

چکیده

اکثر مکاتب فکری از سه ویژگی تولد، اوج و فرود بیرون نبوده اند، روزگاری حرفی برای گفتن داشته اند و به مرور روزها با چالش های فکری مواجه شده اند، دلیل آن این است که این گونه مکاتب به کمال نرسیده اند و طرح نو آنها به حقیقت نپیوسته است. حماسه عاشورا، یک مکتب فکری است که تقریباً ۱۴۰۰ سال هم چنان زنده و جاوید مانده و در هر زمان حرفی نو و طرحی نو برای جامعه بشری دارد. بر مظلومیت حسین (ع) و شهیدان کربلا تاکنون ده ها میلیارد انسان در طول ۱۴۰۰ سال اشک ریخته اند. با آن که در جهان حوادث دهشتناک تر از حادثه عاشورا رخ داده است، کسی برای آن اشک نمی ریزد و در سینه تاریخ دفن است. اگر به حوادث عاشورا با دید کمی نگاه کنیم، حوادث آن اندک است، ولی اگر به آن از نظر کیفی و معنوی بنگریم؛ یعنی هدف پاک باختگی، عملکرد و... تاکنون در جامعه بشری فاجعه هولناک تر از حادثه عاشورا رخ نداده است. جاودانگی حماسه عاشورا در یک چیز نهفته است و آن «هدف متعالی» است.

مقدمه

اکثر حوادث و حوزه های فکری و مکتب های انسانی از سه ویژگی تولد، اوج و فرود بیرون نیست و این حکایت از ناماندگاری این دیدگاه ها می کند، به عنوان نمونه، دیدگاه های کنفوسیوس، مانی، مزدک، اومانیسم، اگریستانسیالیسم، کمونیسم و... وقتی ظهور خود را آغاز کرده اند، موج تازه ای در میان انسان ها پدید آورده اند و تحوّل در اندیشه انسان ایجاد کرده اند. طرح نو در انداخته و حرفی برای گفتن داشته اند، اما این موج و طوفان که سنگرها و قله های فکری و عقیدتی انسان ها را فتح می کرد، برای همیشه ماندگار نمانده و به مرور ایام با چالش های

فکری و انتقادهای شدید مواجه گردیده است. اگر مکتبی و طرز فکری در برابر چالش‌های به وجود آمده زمان خود پاسخ گو باشد، دوام می‌یابد و نشان می‌دهد که در این برهه از زمان نیز حرفی برای گفتن دارد. اما اگر از پاسخ به چالش‌های فکری خود عاجز ماند، مرگ چنین مکتب و طرز فکری آغاز شده است، حرف نو برای زمان خود ندارد، تکرار دلایل گذشته جز ملال دستاوردی ندارد و تاریخ مصرف این اندیشه به پایان رسیده و باید در سینه تاریخ مدفون گردد. ویروس مرگ آور این طرز نگرش‌ها در این است که از رسیدن به حقیقت عاجز مانده اند، به کمال نرسیده اند و طرح نو آنان به حقیقت نپیوسته، زیرا طرز فکری ماندگار است که به حقیقت برسد و به حقیقت جاودانه تبدیل گردد. وقتی چنین شد، در جمود تکرار مکررها گرفتار نمی‌شود، بلکه پنجره سبزی است که مستقیماً به حقیقت گشوده می‌شود، چشمه زلالی می‌شود که عطش کمال جویی انسان را سیراب می‌کند و چنین ویژگی جز در ادیان و مکاتب توحیدی یافت نمی‌شود. حماسه عاشورا خود یک مکتب فکری است که در سال ۶۱ (ه.ق) امام حسین و یارانش و اهل بیتش در کربلا آفریدند، اینک که تقریباً یک ۱۴۰۰ سال از آن می‌گذرد، هنوز هم جدید است و در هر زمان حرف و طرحی نو دارد. طبع نوگرا و تکثر طلب انسان، هیچ‌گاه تاکنون از درس‌ها، عبرت‌ها، پیام‌ها و طرز نگرش مکتب حماسی عاشورا خسته نشده است. و راستی این مکتب چه حرفی در هر زمان برای گفتن دارد و سرّ این جاودانگی در چیست؟ و عاشورا چند چهره دارد؟ به قول استاد مطهری: «حادثه عاشورا دو

چهره دارد: یکی سیاه و دیگری سفید. یک نوع پستی و لثامت در صفحه سیاه دارد، اما آیا تاریخچه عاشورا فقط رثا است؟ نه، صفحه ای دیگر دارد که همه اش افتخار و حماسه است... حسین یک تن نیست که سرش را جدا کردند، حسین یک مکتب است و بعد از مرگش زنده تر می شود». و نیز حادثه عاشورا با آن که نفس حادثه ویژگی های یک طرز تفکر را ندارد، جاودانگی خود را حفظ کرده است. ده ها میلیارد انسان شیفته و شیدا در طول تاریخ این حادثه هر سال، بر مظلومیت حسین و شهیدان کربلا- اشک ریخته اند، اگر قطره های این اشک ها در یک زمان جمع گردد، طوفانی عظیم و سیلاب سهمگین به پا خواهد کرد که جهان را به غرقاب می کشاند. حال آن که در جهان حوادث بسیار هولناک تر و دهشتناک تر از حادثه عاشورا رخ داده است، اما چرا قطره اشکی بر ماتم این حوادث از چشم انسان نمی ریزد؟ اسکندر کبیر، در حمله به مشرق زمین و چنگیزخان مغول در حمله به آسیای میانه و ایران چه جنایت هایی را که مرتکب نشدند، اما کدام چشمی بر ویرانه های تمدن بین النهرین در حمله اسکندر و قتل عام های شهرهای سمرقند، بامیان، بلخ، کابل، نیشابور و... در فتنه مغول، اشک ریخته اند؟ مگر، جنگ های صلیبی فراموش شده است که در یک حادثه از این جنگ ها قساوت و بی رحمی انسان چنان به اوج خود رسید که سیلاب خون از کوچه های شهر بیت المقدس جاری گردید. از فجایع جنگ های جهانی اول و دوم چندان فاصله نگرفته ایم. در جنگ جهانی اول و دوم ده ها میلیون نفر کشته شدند، جهان به ویرانه ای تبدیل گردید. قساوت انسان بالاتر از آن می شود که

در بمباران اتمی «ناکازاکی» و «هیروشیما» صدها هزار نفر انسان بی گناه در یک لحظه به کام مرگ فرستاده شد. در حالی که در حادثه عاشورا ۷۲ تن به شهادت رسیدند، از جمله پنج کودک و نوجوان و یک زن. بر پیکر شهیدان کربلا اسب تاختند، خیمه گاه را تاراج کردند و آتش زدند و زنان و کودکان را به اسارت بردند، ولی چرا این حادثه در طول تقریباً ۱۴۰۰ سال قلب جامعه بشری را به رقت آورده و بر شهیدان کربلا- و اسارت اهل بیت اشک ریخته اند؟ قطعاً جهان و انسان ها فجاج هولناک تر از حادثه کربلا از نظر کمی دیده اند، ولی اگر به جنبه کیفی و معنوی حادثه عاشورا بنگریم؛ یعنی هدف، پاک باختگی، عملکرد و... باید اعتراف کرد که تا کنون در تاریخ بشر فاجعه ای هولناک تر از حادثه عاشورا رخ نداده است و رمز جاودانگی حماسه عاشورا نیز در بعد معنوی آن نهفته است. به همین جهت شخصیت امام حسین (ع) نیز غیر از شخصیت هایی است که در تاریخ حادثه آفریده اند. به قول استاد شهید مطهری: «حسین (ع) یک شخصیت حماسی است، اما نه آن طوری که جلال الدین خوارزمشاهی یک شخصیت حماسی است و نه آن طور که رستم افسانه ای یک شخصیت حماسی است. حسین (ع) شخصیت حماسی است، اما حماسه انسانیت، حماسه بشریت،... حادثه حسین، روح حسین، همه چیز حسین هیجان است، تحریک است، درسی است.» در بسیاری از حوادث و رویدادهایی که در جهان رخ می دهد، اتفاق هایی است که در اصل برنامه و طرح نیست، بلکه در روند حوادث رخ می دهد، اما حوادث عاشورا بر مبنای اتفاق نیست، امام حسین (ع) وقتی با اهل بیتش از مدینه به سوی مکه حرکت

می‌کند، علاوه بر چهارچوبه کلی هدف، برنامه‌های حوادث آینده را نیز در نظر دارد. شبی قبل از حرکت کنار مرقد جدش در مدینه به راز و نیاز مشغول بود، پیامبر گرامی اسلام (ص) را در خواب دید: فرمود: «یا حسین أخرج الی العراق فان الله قد شاء ان یراک قتیلاً؛ ای حسین بسوی عراق حرکت کن که خداوند می‌خواهد تو را کشته ببیند». این خود، نوعی الهام حادثه‌خونین کربلا- برای او بود و اسارت اهل بیت هم تکمیل‌کننده همین نقش خونین است. آغاز این حرکت از یک «نه» شروع می‌شود و به اسارت و خرابه‌نشینی اهل بیت امام حسین (ع) پایان می‌پذیرد. مجموع این حوادث، تفکر جاودانه‌ای را به وجود آورده که بشر برای همیشه از آن درس می‌آموزد. جاودانگی حماسه عاشورا در یک چیز نهفته است و آن «هدف متعالی در حماسه عاشورا» است.

هدف متعالی در حماسه عاشورا

بعضی وقت‌ها به انگیزه نیز «هدف» اطلاق می‌شود، ولی مراد از «هدف» در این جا «مرام» و «مقصود»ی است که در نهایت، نهضتی و یا مکتبی بدان نائل می‌آید. از این جهت «نفس هدف» و «شیوه هدف» نقش اساسی را در جاودانگی جریان و عملکرد دارد. بسیاری از اهداف سرشت نیک و انسانی دارند، شعارهایی را که برمی‌گزینند نیز انسانی است و رهایی انسان را از یوغ اسارت و استبداد نوید می‌دهد، ولی شیوه‌های عملکردشان خود فاجعه‌های بزرگ را برای انسان آفریده است؛ مثلاً مارکسیسم که به حمایت از قشر مظلوم و زحمتکش دهقان و کارگر برخاست و ایدئولوژی مکتب خود را در حمایت از پرولتاریا قرار داد، اهداف انسانی و شعارهای انسانی داشت. اما، آیا تصفیه‌های خونین و قتل‌عام‌های اوایل پیروزی انقلاب اکتبر

۱۹۱۷ و جنایات هولناک استالین، با چنین اهداف سازگاری و هم خوانی داشت؟ ایجاد دیکتاتوری های سرخ در کشورهای بلوک شرق با زور نیزه و چکمه و اشغال افغانستان و کشتن نزدیک به یک میلیون نفر، با کدام اهداف انسانی و شعارهای انسانی مطابقت دارد؟ نهضت فمینیسم، که از حقوق زنان و آزادی آنان دفاع می کرد، شعارهای نوید بخش را برای به دست آوردن حقوق زنان در محل کارشان و نیز در خانواده و حضور و سهم گیری مساوی آنان با مردان در جامعه و مقام های اجتماعی را سر می داد، امروز چه دستاوردی برای زنان دنیا به ارمغان آورده است؟ نتیجه این همه تلاش در طول این مدت، این شد که زن غربی، زن فمینیستی تبدیل به کالای بازاری شده است که هویت و شرافت و عفت انسانی خود را به دست تندبادهای هوس سپرده. خود تبدیل به کالا و متاع بازار گردیده و فقط وسیله لذت و استفاده جویی مردان در بازار مکاره شده است. بدین جهت در بسیاری از نهضت ها، قیام ها و مکتب ها ممکن است، شعارها انسانی باشد، اما عملکردها غیر انسانی. نیز ممکن است هدف ها انسانی باشد، اما در مسیر مبارزه به مسیری منتهی شود که نتیجه و دستاورد مصیبت بار و غمبار داشته باشد. بنابراین، سلامت هدف در گرو استراتژی صحیح، و استراتژی صحیح، در گرو عملکرد صحیح تا رسیدن به مقصود است و در پیچ و خم همین خط سیر است که هدف ها و مکتب های انسانی انگشت شمار می گردد. در کنار اینها مکتب هایی هستند که به تعالی انسان بالاتر از جهان مادی می اندیشد، چنین مکاتبی توحیدی و الهی است که مکتب و هدف حسین (ع) جزء

مکاتب و اهداف توحیدی و الهی به شمار می رود. امام حسین (ع) برای رسیدن به هدف، دو شعار و یا دو روش را انتخاب کرد که عبارت بود از: مبارزه با طاغوت و اصلاح امت جدش.

شیوه مبارزه در حماسه حسینی

مبارزه با طاغوت

اشاره

امام حسین (ع) مبارزه با طاغوت را با امتناع از بیعت و «نه» گفتن آغاز کرد، چهره یزید را افشا نمود، دعوت مردم کوفه را با فرستادن مسلم پاسخ داد و با حرکت از مکه به سوی کربلا به میعادگاه عشق رسید.

امتناع از بیعت

نهضت و قیام امام حسین (ع) با «نه» آغاز می شود، درست مانند جدش رسول الله (ص) و دیگر انبیای الهی که رسالت و مبارزه خود را با «نه» آغاز کردند. همه انبیای الهی در برابر بت های بی جان که مظهر جاهلیت و شرک بود «نه» گفته اند و انسان هایی را که سر در برابر بت ها می ساییدند، آنان را از جمود جاهلیت رهانیده اند. (قولوا لا اله الا الله تفلحوا) اولین ندایی که جزیره العرب را از شرک و بت پرستی و جاهلیت نجات بخشید و نور توحید در سراسر دنیا عالم گیر شد. زمان امام حسین (ع) دیگر زمان جاهلیت و بت پرستی نیست. انسان ها علناً در برابر بت ها سر به سجده نمی ساینند، ولی بت های دیگری در جامعه اسلامی قد برافراشته است. این بت هایی جان نیست، بت های جان دارند و در رأس این بت ها و بتچه ها طاغوت است که دربتکده سبز شام لانه دارد. یزید، بزرگ ترین طاغوت عصر امام حسین (ع) است، این طاغوت هیچ تفاوتی با فرعون زمان حضرت موسی (ع) ندارد (اذهب الی فرعون انه طغی) یزید هم سر به طغیان نهاده است. اینک خلیفه اسلام غرق در لهو و لعب است، شراب شربت سکرآور زندگی اوست، از سیاست چیزی نمی داند، با بوزینگان و رقاصان و زنان مغنیه دمساز است. معاویه بن ابی سفیان هرچند که بر اریکه قدرت اسلام تکیه زده و از پیروزی ظاهری در صفین در برابر علی

(ع) سرمست است و از صلح با امام حسن (ع) دلشاد، ولی خداوند عذاب خود را در همین دنیا نیز در خانه او نازل کرده است. یزید سوهان روح معاویه شده است، نابخردی‌ها و هرزه‌گردی‌های او، کاخ‌آمال و آرزوهای معاویه را فرو می‌ریزند. حکومت موروثی بنی‌امیه طمع‌سیرنشدنی معاویه است. او توصیه‌های پدرش ابی‌سفیان را هر صبح و شام با خود زمزمه می‌کند که در خلوت جمع‌امویان گفت: «اکنون که قدرت و حکومت در دست شما افتاده است، آن را همچون گویی به یک‌دیگر پاس دهید و کوشش کنید که از دودمان بنی‌امیه بیرون نرود، من سوگند یاد می‌کنم به آنچه به آن عقیده دارم که نه عذابی در کار است و نه حسابی و نه بهشتی و نه جهنمی و نه قیامت». اینک که غیر از یزید، کس دیگری ندارد، با کمال وقاحت و بی‌شرمی با زیر پا گذاشتن صلح‌نامه امام حسن (ع) زمینه را برای جانشینی یزید ابن معاویه فراهم ساخت. و امام حسین (ع) بزرگ‌ترین مانع تحقق‌آمال و آرزوهای معاویه است. به همین منظور معاویه سفری به مدینه کرد، تا رضایت مخالفان یزید را جلب کند. معاویه با امام حسین (ع) نیز ملاقات کرد و معاویه چه اوصافی را که برای یزید نتراشید، خیال می‌کرد امام حسین (ع) نمی‌داند که در زندگی خانوادگی معاویه چه می‌گذرد، امام حسین (ع) پرخاش‌کنان در جواب معاویه گفت: «یزید را آن‌چنان که هست معرفی کن، یزید جوان سگ‌باز، کبوتر باز و بوالهوس است که عمرش با ساز و آواز و خوش‌گذرانی می‌گذرد، یزید را آن‌گونه که هست معرفی کن، و این‌گونه تلاش‌های

بی ثمر را کنار بگذار.» سرانجام این گوی قدرت به یزید پاس داده شد و معاویه که در واپسین روزها علی و افلیح شده بود، نگران هرزگی یزید بود. اگر معاویه پوستینی از اسلام را در کاخ سبزش برافراشته بود، اینک همین پوستین نیز زیر پای بوزینه و رقاصان یزید تکه تکه شده است. و همه چیز را با معیارهای جاهلی قبیله و میراث خونی می نگرد. وقتی سر امام حسین (ع) را بعد از حادثه عاشورا نزد او آوردند، از پیروزی قبیله بنی امیه بر بنی هاشم سرمست شد و سرود: «لعبت هاشم بالملک فلاخبر جاء ولا - وحی نزل.» - بنی هاشم با حکومت بازی کرد، در حالی که نه وحی نازل شده و نه خبری از وحی است. اینک چنین شخصی بر خلافت اسلام تکیه زده و می خواهد بر دستی که از مستی شراب مرتعش است، امام حسین (ع) دست بیعت بگذارد! یزید بدون کوچک ترین تردیدی می خواهد «حق» پنجه تسلیم در پنجه «باطل» بگذارد. شعور یزید به اندازه معاویه نیست، تا دریابد که چنین کاری شدنی نیست، امام حسین (ع) با بد بیعت کند! «... اکنون حسین در برابر دو توانستن قرار گرفته، نه می تواند خاموش بماند و مسئولیت جنگیدن با ظلم را دارد، و نه می تواند فریاد کند، تنها مانده و با دست خالی بار مسئولیت ها بر دوش اوست، باید بجنگد اما نمی تواند. شگفتا بایستن و نتوانستن!» نتوانستن نیز او را از این بایستن معاف نمی کند، چه مسئولیت بر دوش آگاهی انسانی اوست. زاده حسین بودن اوست، پس چه کند؟ متولیان عقل و دین می گویند: «نه» و حسین می گوید: «آری». امام حسین (ع) به والی مدینه که مأمور بیعت گرفتن از امام برای یزید بود، پاسخ

«نه» می دهد و این آغازی می شود برای یک حرکت و حماسه خونین و جاودانه در تاریخ و خود فریاد می زند: «الا و ان»
الدعی بن الدعی قد رکزنی بین اثنتین. بین الذله و السلّه، هیهات منّالذله؛ هان! حرام زاده، فرزند حرام زاده [عمرسعد] مرا بین
مرگ و ذلت قرار داده است، اما از ما ذلت و خواری به دور است.» در آخرین لحظه و آخرین اتمام حجت نیز بر پیمان و
تصمیم خود استوار است و جواب دندان شکنی به عمر سعد فرمانده سپاه یزید در کربلا می دهد: «لا والله لا اعطیهم بیدی اعطا
الذلیل و لا افر فرار العبید». نه به خدا سوگند! مانند دست دادن ذلیل دست بیعت به شما نمی دهم و چون بندگان فراری، پا به
فرار نمی گذارم.

هشدار به امت به خواب رفته

امام حسین (ع) در دوره ای بار امامت را بر دوش کشید که انحراف ها، کژی ها و بدعت ها کمر اسلام را شکسته بود، عصری
که اندیشه ها فلج شده و سلول های سرطانی القائنات «مرجئه» و «جبریه» در پیکر اسلام در حال رشد بود. اسلام از درون به
تهی شدن پیش می رفت. اسلام ظاهری و اسلام حکومتی ملعبه دست معاویه بود. یاران نخستین پیامبر که حکومت توحیدی ده
ساله پیامبر را در مدینه تجربه کرده بودند، به سه گروه تقسیم شده بودند: گروهی انحراف را تحمل نتوانستند، فریاد کشیدند و
کشته شدند؛ مثل ابوذر، عمار، عبدالله بن مسعود، میثم و حجر بن عدی. گروهی که بهشت را به جای آن که در جبهه جهاد به
دست آورند، در کنج امن ریاضت و خلوت می خواستند به دست آورند و گوشه مسجد خزیدند. دسته سوم، از جهاد و
هجرت و بدر و أحد و حنین و مدینه و... که

در کنار پیامبر افتخارهایی کسب کرده بودند، همه را در کاخ سبز معاویه به فروش رساندند. با شهادت حجر بن عدی نیروی انقلابی و مبارزی که علیه حاکمیت اموی مبارزه می کردند، به تحلیل رفت. سایه دهشت معاویه در سراسر سرزمین های اسلامی حکم فرما گشت. کوفه که روزگاری مرکز قدرت اسلام و خلافت علی بن ابی طالب (ع) بود، روحیه، شخصیت، هویت انقلابی و مبارزاتی دوران علی (ع) را از دست داده بود. فرهنگ همکاری و تعاون میان امت اسلامی وجود نداشت، دیگر آن روزگاران گذشته بود که پیامبر اسلام (ص) همه افراد امت را مسئول هم دیگر می دانست: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت»؛ تمام شما مسلمانان به منزله نگهبان یک دیگرید و همه شما نسبت به خودتان مسئولید». و دکتر جعفر شهیدی در کتاب تحقیقی قیام حسین (ع) می نویسد: «هر اندازه مسلمانان از عصر پیامبر دور می شدند، خوی ها و خصلت های مسلمانی را بیشتر فراموش می کردند و سیرت های عصر جاهلی به تدریج بین آنان زنده می شد، برتری فروشی نژادی، گذشته خود را فرایاد رقیبان خود آوردن، روی در روی ایستادن تیره ها و قبیله ها به خاطر تعصب های نژادی و کینه کشی از دیگری». در چنین شرایطی، امام حسین زنگ خطر را به صدا درآورد. وقتی آگاه شد که یزید بن معاویه خلیفه مسلمانان شده است، با تأسف اظهار کرد: «أنا لله و أنا الیه راجعون و علی الاسلام السلام، اذ قد بُئیت الامه براع مثل یزید؛ فاتحه اسلام را باید خواند، زمانی که امت اسلام خلیفه ای مثل یزید داشته باشد». و نیز در مسیر راه در خطابه ای دیگر فرمود: «الا ترون ان الحق لا یعمل به و ان الباطل لا یتنهی عنه». هدف از هشدارها و بیدارگری های

امام حسین نه آن بود که مردم را به قیام سراسری فرا خواند. زیرا جامعه ای که به خواب رفته، گوش ها کر و چشم ها کور است و تفکر و اندیشه به انجماد رسیده، چگونه می تواند به قیام سراسری و عمومی علیه حاکمیت سیاه یزید دست براند. امام به دلیل تکلیف امامت، به مردم هشدارهای لازم را داد، تا تلنگری باشد بر پیکر چنین جامعه جامد و خموش. او هدف بزرگ تر، جاودانه تر برای زنده کردن دین جَدش دارد و چنین هشدارها، جز تلنگر نسبت به هدف مقدس و الهی او نیست.

امام و حرکت به سوی مکه

حرکت امام به سوی مکه، در راستای تبیین هدف و آرمان بزرگی که دارد، تبلور پیدا می کند. «امت باید بداند که چرا حسین (ع) قیام می کند و هدف آن بزرگوار از نهضت چیست... اطلاع امت از هدف مقدس حسین (ع) از یک طرف، خود به منزله اعلام خطر جدی است به آنان که وضع فوق العاده و غیر عادی اجتماع را بدین وسیله دریابند؛ آن چنان وضعی که فرزند امیرالمؤمنین (ع) هستی اسلام و موجودیت قرآن را در معرض سقوط می بیند و برای نجات آن ناچار دست به آن نهضت مقدس و خونین می زند». آن روز که وسایل ارتباط جمعی نبود، امام (ع) برای تبلیغ و تبیین هدفش، بهترین زمان و مکان را انتخاب کرد، موسمی که حاجیان از سراسر عالم اسلام به مکه می آیند و ناگهان در روز عرفه حج را ناتمام می گذارد و به سوی کربلا حرکت می کند، تا به امت بفهماند که زنده کردن روح اسلام و دمیدن خون در شریان های اسلام و زنده کردن عدالت و سیره توحیدی رسول الله (ص) بزرگ ترین تکلیف الهی است که

از همه تکالیف بزرگ تر و مهم تر است. تکلیفی که علی (ع) پنج سال به خاطر آن سخت ترین شرایط را متحمل شد و خونش در محراب مسجد ریخته گردید. اینک زمان قربانی شدن فرد دیگری است، تا خون در رگ های جامعه اسلامی به جریان افتد و پاسخی باشد برای کسانی که می خواستند دین شان را به دور از نبرد حق و باطل و خطر مبارزه سیاسی و اجتماعی، در حرم امن الهی حفظ کنند. عبدالله زبیر در ملاقاتی که با امام حسین دارد، می خواهد که چون خودش در حرم امن الهی پناهنده شود، امام حسین (ع) در جواب می گوید: «کشته شدنم در کربلا، پیش من از کشته شدنم در حرم محبوب تر است».

امام و دعوت مردم کوفه

امام می دانست که این مردم با پدرش امام علی (ع) و برادرش امام حسن (ع) چه کرده است و این شهر شهرت بی وفایی را با خود همراه دارد؛ با آن همه بنابر وظیفه ای که بر دوش دارد، مسلم بن عقیل را می فرستد، تا پاسخی باشد برای دعوت های آن مردم، که با سفیرش چه می کنند. «زمانی کوفه مرکز ارتش اسلام بود و اگر امام حسین به کوفه نمی رفت امروز تمام مورخین دنیا او را ملامت می کردند، چرا به آن جا نرفتی؟!... از کوفی ها و مردم عراق شجاع تر و سلحشورتر وجود نداشت، در عین حال همین مردمی که ۱۸ هزار بیعت کننده داشت... چون زیاد بن ابیه سال ها در کوفه حکومت کرده بود، آن قدر چشم در آورده بود... به کلی احساس شخصیت خود را از دست داده بود».

اصلاح امت جد

اشاره

دومین شعار یا استراتژی اساسی امام حسین (ع) «اصلاح امت جدش» بود. دروصیت نامه ای که به برادرش محمد حنفیه نوشته است، انگیزه قیام خود را اصلاح امت جدش معرفی می کند: «انّی لم أخرج اشرأ و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی؛ من نه از روی خودخواهی و سرکشی و هوسرانی و نه برای ایجاد فساد و ستمگری به پا خاستم، بلکه هدف من از این حرکت اصلاح امت جدم بوده است». امام حسین (ع) اصلاح گری را در دو شیوه انجام داد: یکی امر به معروف و نهی از منکر و دیگری عمل و زنده کردن سیره پیامبر (ص) و علی (ع) بود.

امر به معروف و نهی از منکر

این که امام حسین (ع) اساس نهضت خود را امر به معروف و نهی از منکر قرار داد، نشان دهنده این مطلب است که امر به معروف و نهی از منکر تا چه اندازه در اصلاح، بیداری، روشننگری، سلامت و بهداشت روحی و روانی و فیزیکی، جامعه اسلامی نقش و اهمیت دارد. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر از نظر قرآن تا آن حد است که مسلمانان را بهترین امت می داند، چون امر به معروف و نهی از منکر می کنند: «کنتم خیر امه اخرجت للناس، تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر»؛ شما مسلمانان بهترین امت هستید که به نفع بشریت ظهور کرده اید که امر به معروف و نهی از منکر می کنید. «و قرآن امت های پیشین را نکوهش می کند که چرا امر به معروف و نهی از منکر نکردند: (فلولا کان من القرون من قبلکم اولوا بقیه ینهون عن الفساد فی الارض الا قليلاً ممن انجینا منهم و اتبع الذین ظلموا

و ما أترفوا فيه و كانوا مُجرمین و ما كان رَبِّكَ لِيُهْلِكَ - الْقُرَى بظلم و اهلها مُصلحون). پس چرا در میان امت های پیشین از شما مردمی دین دار پیدا نشدند که از فساد در زمین جلوگیری کنند، جز دسته ای اندک که ما نجاتشان دادیم و ستمگران نعمت ها و رفاهی را که بدیشان داده بودیم در راه فساد به کار گرفتند و گناه کار بودند و خدا هیچ قومی و اهل دیاری را در صورتی که نیکوکار و مصلح باشند، هلاک نمی کند». بنابراین امام حسین (ع) در انگیزه قیامش، انگشت روی اساسی ترین اصلی گذاشت که تداوم آن ضامن بقای اجتماع اسلامی بود و در راه زنده ماندن همین اصل حماسه خونین کربلا را آفرید. در کلمات کوتاهی که از امام حسین (ع) باقی مانده و در آن هدف و انگیزه های قیام و حماسه عاشورا بیان کرده، تأکید روی همین اصل و زنده کردن سیره جدش رسول الله (ص) دارد و از پاسخ به دعوت مردم کوفه، هیچ سخنی به میان نیاورده و در ادامه همان وصیت نامه آمده است: «أريد أن آمر بالمعروف و نهی عن المنکر.» بدین ترتیب امر به معروف و نهی از منکر، یکی از اساسی ترین انگیزه های حماسه حسینی به شمار می رود؛ به خصوص در دوره ای که سنت و فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر از میان رفته و در جامعه اسلامی، افراد ناشایست تسلط یافته اند. جهان اسلام، حاکمی مانند یزید را تاکنون تجربه نکرده بود، او در حقیقت تاوان بی تفاوتی و تساهل و تسامح امت اسلامی در برابر امر به معروف و نهی از منکر بود و چه زیبا گفته است رسول اکرم (ص): «لَتَأْمُرَنَ بِالْمَعْرُوفِ

و لَتَنْهَنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ يُسَلِّطْنَ اللَّهَ عَلَيْكُمْ شَرَارَكُمْ. فیدعو اختیار کم فلا یستجاب لهم؛ امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه بدان شما، بر شما مسلط می شوند و وقتی خوبان شما، شما را می خوانند به آنها جوابی داده نمی شود». اینک که تنها امام حسین (ع) امر به معروف و نهی از منکر را فریاد می کند، بدان (طاغوت) فرصت را از مردم گرفته اند، تا خوبان خود را انتخاب کنند. به همین دلیل است که در آن زمان هم فریاد حسین بن علی (ع) ناشناخته ماند و هم قیامت. چنان که علی (ع) نیز در زمان خودش ناشناخته ماند و فقط چاه بود که صدایش را می شنید: «غدأ ترون ایامی و یکشف لکم عن سرایری؛ [امروز مرا نمی شناسید] فردا روزی خواهد آمد که مرا خواهید شناخت».

زنده کردن سیره جدش

در سال ۶۱ هجری قمری، پنجاه سال از حکومت اسلامی و توحیدی پیامبر اسلام (ص) در مدینه گذشته بود. مشکلاتی که از «سقیفه» آغاز شد، بدعت های فراوانی را در پی داشت، بعد از ۲۵ سال سکوت، علی بن ابی طالب (ع) کمتر از پنج سال کوشید تا ناهنجاری ها و بدعت ها را از چهره اسلام بزدايد، اما فتنه های جمل و صفین و نهروان، فرصت ها را با خود برد. سر منشأ این بدعت ها و کجی ها نیز، تشکیلات ضد اسلامی اموی بود که با والی شدن معاویه بن ابی سفیان در زمان خلیفه دوم، نفوذ خود را در جامعه اسلامی گسترش داد. با عمال ستمگری چون زیاد بن ابیه، عمرو بن العاص، سمره بن جندب و... حکومت سلطنتی تشکیل داد و چهره اسلام را وارونه ساخت. غارت بیت المال، قتل و غارتگری، شکنجه و تبعیض نژادی، رقابت های قبیله ای، جعل حدیث، تفسیر

و تاویل آیات قرآن به نفع خود، تخدیر افکار عمومی، سب و دشنام علی (ع)، ترویج نظرات جبریه و مرجئه در میان مردم و... از جمله روش‌ها و بدعت‌ها و سنت‌های شومی بود که پس از رحلت رسول اکرم (ص) و دوران معاویه، در جامعه اسلامی رواج یافت. علی (ع) که عمق فتنه را درک کرده بود، در همان زمان فریاد کشید. ولی گوش شنوایی پیدا نشد! «هان! بیمناک ترین فتنه‌ها بر شما از نظر من فتنه بنی امیه است، آن فتنه کور و تاریکی است که دامنه آن فراگیر و همگانی است و گرفتاری آن برای خواص [پیروان علی (ع)] است، بلای آن به کسی رسد که بینا و آگاه باشد و به هر کوری که بی تفاوت باشد، راه پیدا نکند. به خدا سوگند! پس از من بنی امیه را زمامداران بدی خواهید یافت، مانند شتر پیرو چموشی که با دهانش گاز می‌گیرد». امام حسین (ع) با شعار زنده کردن سیره رسول الله (ص) خط بطلان بر بدعت‌ها و کجی‌هایی که فتنه بنی امیه در جامعه اسلامی به وجود آورده بود، کشید. برای مردم یادآور شد که اسلام محمد (ص) آن نیست که معاویه در کاخ سبز شام، ردایش را وارونه به تن کرده و خلافت ملک موروثی نیست، تا به یزید میراث برسد. بلکه سیره رسول خدا (ص) و علی بن ابی طالب (ع) همان سیره حکومت ده ساله توحیدی در مدینه است.

استراتژی عملی حماسه عاشورا

اشاره

گفتیم که جاودانگی حماسه حسینی در هدف متعالی آن است و راهی را که برای رسیدن به هدف برگزید، نقش اساسی در جاودانگی حماسه عاشورا دارد. روش عملی امام عبارت بود از تربیت یاران و پاک‌باختگی در راه

تربیت یاران

هر نهضت و قیامی توسط افراد سازمان یافته به وجود می آید، کادر تشکیلاتی یک نهضت، نقش کلیدی در موفقیت ها و شکست ها دارد. به همین دلیل در نهضت های توحیدی پیامبران الهی در ابتدا سراغ کادرسازی و تربیت نیرو رفته اند، سپس مردم را به سوی توحید فرا خوانده اند. در حماسه عاشورا نیز امام حسین (ع) توانست نیروهایی را تربیت کند و افرادی را با خود همراه سازد که از جهت روحی، روانی، عقیدتی و جسمی برای انجام چنین حماسه ای آماده بودند. معمولاً افراد یک نهضت از میان افراد فعال و جوان و از نخبگان جامعه انتخاب می گردد، ولی در حماسه عاشورا افراد گوناگون حضور دارند: زن، مرد، پیر، جوان و کودک. ولی همین نیروها طوری تربیت شده اند که به مرحله «یقین» رسیده اند، به راهی که برگزیده اند، باور دارند و به رهبر حماسه، به تمام معنا ایمان دارند. به قول ع.ص؛ «هر قدر هدف ها عالی تر و عمیق تر و وسیع تر باشد، رهبر باید در تهیه نیرو و ساختن نفرات، رنج ها و صدمه های زیادتری ببیند و تمام کار را خود به عهده بگیرد... برای هدف های بزرگ، رهبر باید، انگیزه های بزرگ را به وجود بیاورد و مانع هایی را که در روحیه سربازانش خانه گرفته اند، بیرون بریزد.» واقعاً تربیت افرادی که برای هدف، شهادت و مرگ را انتخاب کنند دشوار است، زیرا مانع های دنیوی هر کدام سد بزرگی است که انسان ها را در خود گرفتار می کند، عشق به زندگی، عشق به جلوه های دنیا، عشق به فرزند و زن، عشق به اموال و ثروت، ضعف ها، ترس ها، منفعت ها و... هر کدام دام هایی اند که انسان را در خود اسیر می کند، به همین دلیل امام حسین (ع) می گوید: «الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی السنتهم»

يحطونه ما دژت معايشهم فاذا محصوا بالبلاء قل - الديانون؛ مردم بندگان دنيايند و دين لق لقه زبانشان در زندگي است، زماني كه با پيشامدي امتحان شوند، دين داران كم اند». حقا كه گذر از اين همه موانع نياز به تربيت سخت و دشوار دارد، تنها حسين بن علي (ع) بود كه توانست ياران همدل، هم ايمان، هم هدف، آگاه، مؤمن، مطيع و آماده شهادت تربيت كند. مي گويند در كربلا نوجواني كه پدرش به شهادت رسيده بود، خدمت امام حسين (ع) آمد و اجازه ميدان خواست، امام اجازه نداد و گفت: همينكه پدري شهيد شده بس است، برو مواظب مادرت باش، جوان عرض مي كند: يا ابا عبدالله، اصلاً اين شمشير را مادرم به كمرم بسته است». آيا چنين آمادگي براي شهادت، آن هم براي يك نوجوان جز اين است كه امام حسين (ع) براي شهادت و قرباني شدن در راه هدف، براي يارانش يك بينش و درك قوي و فوق العاده داده است كه اكثر مردم چنين آگاهي و بينشي ندارند؟ يك محقق آلماني از پيوستن و شهادت حربي يزيد رياحي شگفت زده شده، مي نويسد: «فداكاري حربي يزيد در راه حسين (ع) پاك ترين نوع فداكاري به شمار مي آيد، چون از آن نه منظور مادي داشت و نه معنوي. و كامل ترين فداكاري است، زيرا حر بازماندگان خود را هم فدا كرد؛ به طور كلي فدا كردن بازماندگان دشوارتر از اين است كه شخص خود را فدا كند... تصور نمي كنم كه در مغرب زمين بتوان واقعه اي نظير الحاق حربي يزيد به حسين (ع) يافت... در مغرب زمين فداكاري متعدد هست، اما به نظرمي رسد كمتر كساني داوطلبانه بدون اين كه مجبور باشند، براي ابراز ارادت به ديگري از مرگ استقبال كنند.» همين محقق معتقد

است که تصمیم حر یک تصمیم ناگهانی نبوده، بلکه مثل نهالی بوده که سال ها جوانه زده و رشد کرده و درخت تنومندی شده و این در حالی است که خود او هم متوجه نبوده که فکر گسستن از یزید و پیوستن به حسین (ع) در خاطرش قوت گیرد. این که حر ناگهان پیش وجدانش شرمنده می شود، حکایت از وجدان و ضمیر پاک و حقیقت طلب حر می کند و چنین وجدانی باید در طول زندگی به رشد و شکوفایی برسد. یاران و انصار حسین (ع) از کسانی تشکیل شده بودند که وجدان و ضمیر حقیقت طلب خود را به رشد و کمال نهایی رسانده بودند. تا آمادگی کامل را برای شهادت و پاک بازی پیدا کرده بودند. بسیار کسانی بودند که بر حقانیت قیام حسین (ع) باور داشتند و کوفیان هزاران نامه برای او نوشتند، ولی چرا با امام شان یک جا قیام نکردند و تنها عده ای معدود خط سرخ شهادت را پیمودند؟ چون وجدان حقیقت طلبشان به کمال لازم نرسیده بود. امام حسین (ع) حتی تا شب عاشورا هم از امتحان یارانش دست برنداشت. در شب عاشورا به یاران خود خطاب می کند: «من اصحابی، از اصحاب خودم بهتر و اهل بیته، از اهل بیت خودم فاضل تر سراغ ندارم، از همه شما متشکرم، اینها جز با من، با شما کاری ندارند، شما می توانید بروید، اگر آنها بدانند که شما خودتان را از معرکه خارج می کنید، احدی به شما کاری ندارد». در آن شب هیچ یک از یاران، حسین (ع) را تنها نگذاشتند. آنان وجدانشان به کمال نهایی رسیده بود و آن شب غسل شهادت کردند. زیرا: هر که پیمان با هوالموجود بست گردنش

از قید هر معبود رست ما سوی الله را مسلمان بنده نیست نزد فرعونى سرش افکنده نیست عقل گوید شاد شود، آباد شو عشق گوید بنده شو، آزاد شو

پاک باختگی در راه هدف

به راستی که مرگ از دیدگاه امام حسین (ع) و یارانش با نگرش کسانی که دنیا طلبند، چقدر تفاوت دارد: «اَنى لا ارى الموت المآ السعاده و الحياه مع الظالمين الا- برما؛ من مرگ را، جز سعادت و زندگی با ستمگران را، جز رنج و آزار و ملال نمی بینم». شاید امام حسین (ع) مرگ با عزت و شرافت مندانه را برای انسان ها تفسیر می کند که این گونه می گوید: «خط الموت على ولد آدم مخط القلاذه على جيد الفتاه و أولهنى الى اسلافى اشتياق يعقوب الی يوسف؛ مرگ برای فرزند آدم، چون گردن بند در گردن دختر جوان، زینت بخش است و من چون یعقوب که اشتیاق دیدار یوسف را داشت، اشتیاق دیدار گذشتگانم را دارم». شعار امام حسین (ع) هنگام رزم نیز شعاری است که به بشر درس آزادگی می دهد: الموت اولی من ركوب العار والعار اولی من دخول النار- مرگ بهتر از زیر بار ذلت رفتن است و ننگ از داخل شدن به آتش بهتر است. وقتی مرگ برای قاسم (ع) از عسل شیرین تر باشد، وقتی عباس بگوید: «ولله ان قطعتموا یمینی ائى احمی ابدأ عن دینی» و گلوی پاره علی اصغر در این قربانی سهم گیرد. وقتی تک تک یاران حسین (ع) تا نزدیکی غروب عاشورا در میان خون، رقص شهادت کنند. وقتی زینب و اهل بیت حسین (ع) گویاترین پیام رسانان و سفیران حماسه کربلا باشند، باید این حماسه برای همیشه تاریخ جاودانه بماند. زیرا به قول شریعتی: «شهادت دعوتی است به همه عصرها و

به همه نسل ها که اگر می توانی بمیران و اگر نمی توانی بمیر.» اکنون که قریب ۱۴۰۰ سال است که بشر هر سال از مکتب عاشورا درسی می آموزد و همیشه زنده و جاوید است، زیرا «امام حسین (ع) با حرکات قهرمانانه خود روح مردم مسلمان را زنده کرد، احساسات بردگی و اسارتی را که از اواخر زمان عثمان و تمام دوره معاویه بر روح جامعه اسلامی حکم فرما بود، تضعیف کرد و ترس را ریخت، احساس عبودیت را زایل کرد و به اجتماع اسلامی شخصیت داد... معروف است که آلمان ها گفته اند: ما در جنگ دوم همه چیز را از دست دادیم، مگر یک چیز را که همان شخصیت خودمان بود و چون شخصیت خود را از دست نداده بودیم، همه چیز را دوباره به دست آوردیم و راست هم گفته اند.» و به قول پروفیسور براون مستشرق انگلیسی: «آیا قلبی پیدا می شود که وقتی درباره کربلا سخنی شنیده می شود، آغشته با حزن و الم نگردد، حتی غیر مسلمانان نیز نمی توانند پاکی روحی را که این جنگ اسلامی در تحت لوای آن انجام گرفت، انکار کنند.» و گاندی معتقد است: «من چیز تازه ای برای مردم هند نیاورده ام، آنچه آورده ام محصولی است از مطالعات و تحقیقاتی که درباره تاریخ زندگی قهرمانان کربلا انجام داده ام، اگر بخواهیم هند را از چنگال استعمار نجات دهیم لازم است همان راهی را بپیماییم که اباعبدالله الحسین (ع) پیمود.» و امروز پس از آن که انتفاضه فلسطین به عملیات شهادت طلبانه دست می زند، پیروز خواهند شد، زیرا این ملت تازه از حماسه خونین عاشورا درس گرفته اند. روح و شهادت ملت فلسطین تا آن حد بزرگ شده که به شهادت ایمان آورده اند و خود را

برای شهادت آماده می کنند و این همان درسی است که انتفاضه فلسطین از کربلا آموخته است. زیرا: خون او تفسیر این اسرار کرد ملت خوابیده را بیدار کرد تیغ لا چون از میان بیرون کشید از رگ خویش در باب باطل خون کشید

هدف متعالی در حماسه عاشورا

اهداف بسیاری از مکتب های انسانی، سرشت نیک دارند. شعار رهایی انسان را از یوغ اسارت و استبداد نوید می دهد، ولی شیوه های عملکرد شان گاهی فاجعه های بزرگ را برای انسان آفریده اند. مارکسیسم و فمینیسم، مثلاً دو تفکری است که شعارهای انسانی داده اند، ولی عملکرد مارکسیسم به دیکتاتوری و قتل عام انسان ها منجر شد و دستاورد فمینیسم سبب شد که زن هويت، شرافت و عفت انسانی خود را از دست بدهد. اما در مکاتب و اندیشه های توحیدی، عملکرد و دستاورد و نتیجه، مطابق هدف بوده و در کربلا هماهنگی هدف، عملکرد و دستاورد، حماسه جاودانه عاشورا را آفرید.

شیوه های مبارزه در حماسه حسینی

مبارزه با طاغوت

امتناع از بیعت

نهضت امام حسین (ع) با «نه» آغاز شده «نه» در برابر طاغوت زمان یزید که برخلاف اسلام تکیه زده بود. یزیدی که غرق در لهو و لعب است و شراب، شربت سکر آور زندگی اوست، از سیاست چیزی نمی داند. با بوزینگان و رقاصان و زنان مغتیه دمساز است. هرزگی یزید، حتی سوهان روح معاویه نیز هست، ولی معاویه با کمال، وقاحت و بی شرمی طبق توصیه ابی سفیان، مفاد صلح با امام حسن (ع) را زیر پا گذاشت و یزید را جانشین خود ساخت. یزید می خواهد «حق» پنجه تسلیم در پنجه «باطل» بگذارد و شعور یزید به اندازه معاویه نیست، تا دریابد که چنین کاری شدنی نیست.

هشدار به امت به خواب رفته

امام حسین (ع) در عصری به امامت رسید که اندیشه ها فلج شده بود و سلول های سرطانی مرجئه و جبریه در پیکر اسلام در حال رشد بود. هر قدر مسلمانان از عصر پیامبر دور می شدند، خوی و خصلت های مسلمانی را فراموش می کردند و خصلت های جاهلی در میان آنان زنده می شد. در چنین شرایطی امام حسین (ع) زنگ خطر را به صدا درآورد که: «و علی الاسلام السلام اذا قد بليت الامه براع مثل یزید».

حرکت به سوی مکه

حرکت به سوی مکه در راستای هدف بزرگ امام (ع) بود، در موسمی که حاجیان از سراسر عالم اسلام به مکه می آیند. ناگهان حج را ناتمام گذاشت. تا به امت بفهماند که زنده کردن روح اسلام و سیره توحیدی رسول الله (ص) بزرگ ترین تکلیف الهی است.

امام و دعوت مردم کوفه

امام (ع) بنا به وظیفه امامت، حضرت مسلم را به کوفه فرستاد. اگر امام دعوت کوفه را اجابت نمی کرد، مورخان، امام (ع) را ملامت می کردند.

اصلاح امت جد

امر به معروف و نهی از منکر

در عصری که فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر از میان رفته، در حالی که قرآن مسلمانان را بهترین امت می داند، چون امر به معروف و نهی از منکر می کنند. امام می خواهد با خون این سنت را در جامعه زنده کند.

زنده کردن سیره جدش

مشکلاتی که از سقیفه آغاز شد، بدعت های زیادی را به دنبال داشت، و تشکیلات ضد اسلامی اموی، نقش زیادی را در ترویج این بدعت ها داشت و امام علی (ع) که بنی امیه را می شناخت فرمود: بدترین فتنه برای شما، فتنه بنی امیه است.

استراتژی عملی حماسه عاشورا

تربیت یاران

معمولاً افراد یک نهضت از میان فعالان و جوانان انتخاب می شوند، اما در حماسه عاشورا افراد گوناگون نقش داشتند: زن، مرد، پیر، جوان و کودک، اما همه آنان به مرحله یقین رسیده بودند و راهی را که انتخاب کرده بودند باور داشتند. تربیت تا این مرحله از یقین سخت است، زیرا موانعی چون عشق به زندگی، به خانواده، به دین، و نیز ترس ها، ضعف ها و... همیشه بر سر راه آدمی است.

پاک باختگی

مرگ از دید امام حسین (ع) سعادت و از دید یارانش شیرین تر از عسل است و این دیدگاه با کسانی که دنیا را می خواهند، چقدر تفاوت دارد. چنین انسان هایی حماسه عاشورا را آفریدند و به همین دلیل است که جاودانه باقی مانده اند و امروز ملت فلسطین با درس گرفتن از حماسه عاشورا، به عملیات های شهادت طلبانه دست می زنند و به شهادت ایمان آورده اند. انتخاب چنین خط سرخی آنان را به پیروزی خواهند رساند.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

